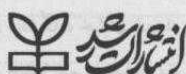


فرهنگ توصیفی

خانواده درمانی سیستمی

و زمینه‌های وابسته

نم‌بسنده
دکتر باقر ثنائی



تهران ۱۳۹۶

ثنایی، باقر. ۱۳۲۴ -

فرهنگ توصیفی خانواده‌درمانی سیستمی و زمینه‌های وابسته / نویسنده باقر ثنایی.

مشخصات ظاهری: ۵۴۴ ص.

مشخصات نشر: تهران، رشد، ۱۳۹۶.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

شابک: ۳ - ۰۷۵ - ۳۵۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

موضوع: روان‌درمانی خانواده با رویکرد سیستمی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

موضوع: Systemic therapy (family therapy) - - Dictionaries - - Persian

موضوع: روان‌درمانی خانواده با رویکرد سیستمی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها

موضوع: Systemic therapy (Family therapy) - - Terminology

موضوع: زبان‌انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی (English language - - Dictionaries - - persian)

رده‌بندی دیویی: ۶۱۶/۸۹۱۵۶۰۳

رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۶ ف ۵/۴۸۸/۵ RC

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۲۶۲۲۲

بیاید به حقوق دیگران احترام بگذاریم

دوست عزیز، این کتاب حاصل دسترنج چندین ساله نویسنده، مترجم و ناشر آن است. تکثیر و فروش آن به هر شکلی بدون اجازه از ناشر و پدیدآورنده کاری غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی و کسب درآمد از دسترنج دیگران است. نتیجه این عمل نادرست، موجب رواج بی‌اعتمادی در جامعه و بروز پی‌آمدهای ناگوار در زندگی و محیطی ناسالم برای خود و فرزندانمان می‌گردد.

فرهنگ توصیفی خانواده درمانی سیستمی

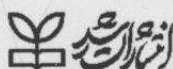
رومیه‌های وابسته

نویسنده

دکتر باقر ثنائی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶ - شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آرمانسا



مرکز نشر و پخش کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی

ساختمان مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۴۱، تلفن: ۶۶۴۰۴۴۰۶

فروشگاه: میدان انقلاب، روبروی سینما بهمن، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، شماره ۷۲.

تلفن: ۶۶۴۹۷۱۸۱ - ۶۶۴۹۸۳۸۶ - ۶۶۴۱۰۲۶۲

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۷.....	A
۵۳.....	B
۷۱.....	C
۱۳۱.....	D
۱۵۹.....	E
۱۹۱.....	F
۲۲۱.....	G
۲۳۷.....	H
۲۵۳.....	I
۲۷۵.....	J
۲۷۹.....	K
۲۸۳.....	L
۲۹۵.....	M
۳۳۱.....	N

۳۴۷		O
۴۱۳		Q
۴۱۵		R
۴۳۵		S
۴۹۳		T
۵۱۵		U
۵۲۳		V
۵۲۷		W
۵۳۵		X
۵۳۷		Y
۵۳۹		Z
۵۴۰	 فهرست پاره‌ای از منابع	

مقدمه

از زمانی که در سال ۱۳۴۶ دانشجوی رشته مشاوره شدم، وجود مشکل و نارسایی را در وادی واژگان و معادل‌سازی‌های روان‌شناسی و مشاوره احساس می‌کردم و از بی‌سامانی نسبی واژه‌سازی‌های سرسری رنج می‌بردم. ناگهانی در کلاس پرفسور استیفن هاج^۱ در دانشگاه کلورادو و اهمیت و محوری که ایشان در تدریس خود به واژه‌های تخصصی می‌داد، یکی از رخدادهایی بود که نظر مرا به اهمیت کلیدی واژه‌ها جلب کرد. در آن زمان، برابرنهاده‌های زنده‌یاد دکتر امیر حسین آریانپور بیش از همه نظرم را به خود جلب می‌کرد. البته واژگان ایشان بیشتر پاسخگوی حیطه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی بود. از همان موقع موضوع معادل‌های دقیق فارسی برایم مسئله بود. گمان می‌کنم که جرعه تهیه این واژه‌نامه همان زمان در ذهن من زده شد که با دقتی وسواس‌گونه به دنبال واژه‌های مناسب بودم و بعدها برخی معادل‌های تخصصی را هم ضرب زدم که «یاوری» (helping)،

«بی‌پرده‌گویی» (disclosure)، «تمایز یافتگی» (differentiation)، «هم‌آمیختگی» (fusion)، «درون‌پایایی» (homeostasis)، «هم‌پایانی» (equifinality)، «مشورت‌گری» (consultation)، و «هموالد» (sibling) از آن جمله است.

واژگان و خصوصاً واژگان تخصصی یک رشته، بنیان شناخت و درک آن رشته را تشکیل می‌دهد. شناخت و توصیف دقیق واژه‌های علمی کار ساده‌ای نیست، اما برای فهم هر موضوع و هر نظریه‌ای، کلیدی‌ترین راه است. اگر کسی تمام اصطلاحات تخصصی یک رشته یا یک نظریه را بداند و بتواند رابطه آن‌ها را با یکدیگر توضیح دهد، می‌توان گفت که او بر آن موضوع تسلط دارد. برای مثال، اگر شما مام‌واژک یا اصطلاحات «نظریه روان‌تحلیلی» از جمله، خود، فراخود، نهاد، ناخودآگاه، دفاع روانی، انتقال، انتقال‌متقابل، مقاومت، تداعی آزاد، تعبیر رویا، سمبولیسم و نظایر آن را با دانش‌شناسید و بتوانید ربط آن‌ها را به یکدیگر توصیف کنید، می‌توان گفت که شما به نظریه روان‌تحلیلی احاطه دارید. بدیهی است که این احاطه در بُعد نظری است. این بدان معنا نیست که شما در عمل هم یک روان‌تحلیلگر هستید و می‌توانید به کار مشاوره، درمان یا روان‌تحلیلی بپردازید. مبادرت عملی به کار مشاوره و روان‌درمانی بعد از طی دورهٔ برنگری (supervision)، فقط در «حدود صلاحیت‌های تخصصی» و با رعایت در اصل اساسی، مباح و مجاز است: این دو اصل کلیدی عبارتند از «حوزهٔ کاری مجاز»^۱ و «جمعیت مراجعان مجاز»^۲ که مطابق بند ۱ مادهٔ ۳ قانون سازمان نظام روان‌شناسی مشاوره باید در مورد تک‌تک مشاوران و روان‌شناسان مشخص و اعمال شود.

واژه‌نامه‌های موجود در صحنهٔ روان‌شناسی کشور چنین است که قدیمی‌ترین آن‌ها تمایل به علوم تربیتی دارد، نسل بعد و نسل حاضر آن‌ها هم خواه واژه‌نامهٔ زنده‌یاد دکتر براهنی و چه ترجمهٔ واژه‌نامهٔ «انجمن روان‌شناسی آمریکا»، با دید روان‌شناسی سنتی یا کلاسیک نوشته شده‌اند. منظور این‌که به تبع «انجمن روان‌شناسی آمریکا»، تاکید عمدهٔ آن‌ها بر روان‌شناسی و آسیب‌شناسی فردی،

دیدگاه‌های درون‌روانی و معطوف به گذشته است. در هیچ کدام از آن‌ها معادل‌های سنجیده و مفهوم برای «واژه‌های سیستمی» مربوط به «خانواده درمانی» و «زوج درمانی» نمی‌توان یافت.

جامعه روان‌شناسی ایران بعد از نزدیک به سه دهه که از برنامه‌ریزی و تربیت کارشناس ارشد «مشاوره خانواده» در دانشگاه‌های ایران می‌گذرد، تازه به مباحث «خانواده» توجه پیدا کرده و تقریباً می‌توان گفت همه به آن رو آورده‌اند و گاه اقداماتی مانند یک واحد درسی عملی «خانواده درمانی» برای دانشجویان بالینی بی‌خبر از مباحث نظری آن و عنوان عجیب رشته «روان‌شناسی خانواده درمانی» حکایت از ناپختگی در این زمینه دارد. غافل از این که دیدگاه سیستمی و مباحث اکولوژیک و برون‌وانی اساساً با دیدگاه‌های سنتی روان‌شناسی تناسب و سنخیت ندارد و هر یک از این دو دیدگاه ناقض فرضیات زیربنایی دیدگاه دیگر است. لذا روان‌شناسانی که به این حیطه وارد می‌شوند، دچار تناقض و تضاد حاکم بر رابطه این دو دیدگاه می‌شوند.

هنوز جامعه روان‌شناسی ما توجه ندارد به این که علت وجود دو انجمن قدر ولی منفک از هم در آمریکا، یکی «انجمن روان‌شناسی آمریکا» و دیگری «انجمن آمریکایی درمان خانواده و ازدواج»^۱، مانند ایران به خاطر چنددستگی روان‌شناسان آن‌ها نیست، بلکه به خاطر تفاوت و تناقض بنیادین این دو رشته در رویکرد به مسایل آسیب‌شناسی و درمان آسیب‌هاست. به همین خاطر است که به وضوح می‌بینیم که بسیاری از روان‌شناسانی که مجذوب دیدگاه سیستمی می‌شوند، به ناچار باید در رویکردهای سنتی روان‌شناسی خود تجدید نظر کنند و گرنه دچار تناقضی می‌شوند که در نگرش و عملکرد روزمره آنان شاهد آن هستیم. هیچ یک از دو انجمن فوق‌الذکر هم اساساً حق ورود به حیطه علمی انجمن دیگر را ندارد.

بحث سیستم‌ها و نظریه سیستمی، به یک نوع جهان‌بینی و بنیان‌های تفکر فلسفی برمی‌گردد، به گونه‌ای که برای نظرکردن به خانواده و مبادرت به «درمان

1. American Psychological Association (APA)

2. American Association for Marriage and Family Therapy (AAMFT)

خانواده»، شناخت واژه‌ها و مفاهیم سیستمی و فلسفی مربوطه لازم و بلکه اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، اساساً بسیاری از مفاهیم و مباحث روان‌شناسی ریشه در مباحث فلسفی دارد که شناخت و درک آن‌ها هم برای هر روان‌شناس و مشاور الزامی است. برای نمونه، به یقین می‌توان گفت که نیچه یکی از بزرگترین فلاسفه عالم و در عین حال یکی از صدرنشینان تاریخ روان‌شناسی است. لذا، واژه‌ها و اصطلاحات فلسفی مربوطه هم در این واژه‌نامه آورده شده و بعضاً به‌ر نسبتاً مبسوط تعریف و تبیین شده است.

برای تدوین این واژه‌نامه طی سال‌های متمادی، به منابع متعدد مراجعه شده است. در ابتدای تدوین این واژه‌نامه فقط به دنبال فهرستی از واژه‌ها و معادل‌های مناسب و صحیح فارسی برای مفاهیم کلیدی «نظریه سیستم‌ها»، «خانواده درمانی» و «زوج درمانی» بوده، اما رفته‌رفته لازم دیدم و تصمیم گرفتم که برخی از واژه‌های مهم‌تر را توصیف کنم، مدت‌ها چنین کردم. اما کم‌کم بر اثر روبرو شدن با ژرفای بسیاری از مفاهیم و پارسایی معادل‌ها برای مفهوم‌شدن آن‌ها احساس کردم که می‌باید توصیف کامل‌تری از آن‌ها ارائه کرد که همین هم شد و باز با گذشت زمان، بیشتر توصیف‌ها را بسط دادم و بسیاری را مجدداً مرور و تجدیدنظر و ویرایش کردم تا بالاخره به شکل فعلی درآمد که می‌توان گفت در مواردی سمت‌وسوی دایرة‌المعارفی هم به خود گرفت است.

البته می‌توان گفت که این کتاب تا حد زیادی جنبهٔ یک کتاب کاربردی و «فنون» دارد. زیرا در فرایند کار، بسیاری از فنون و ابزارهای درمانی و خصوصاً درمان‌های سیستمی کم‌وبیش با تفصیل کافی توصیف شده است. توصیف بسیاری از واژه‌های مربوط به فنون درمان‌های سیستمی، خواننده را نه فقط با آن فن که با طرز کاربرد و استفاده از آن فن نیز آشنا می‌کند. مثلاً توصیف فن «نامتعادل‌سازی»^۱ در نظریه ساختی مینوچین یا توصیف استفاده از فنون «بازتعبیر»^۲ یا «درمان شاق»^۳ و کاربرد آن‌ها در نظریه استراتژیک از این نوع

است. لذا می‌توان گفت که این کتاب تا حدی یک کتاب کاربردی هم هست که در فرایند درمان و در لحظات خطیر و هنگام چه‌کنم‌های «مشاوران و درمانگران خانواده و ازدواج» می‌تواند به داد آن‌ها برسد و مشکل را حل کند. این کتاب در مورد «گروه درمانی» هم تا حدی مشکل‌گشای سوالات خطیر برای شناخت و اداره گروه‌های مشاوره‌ای/درمانی هست.

در آثار علمی از واژه‌ها یا «مفاهیم علمی» استفاده می‌شود. واژه‌ها و مفاهیمی که در متون اصلی اثر لاتین آن‌ها نیز برای بسیاری از خوانندگان و مترجمان غیرمتخصص ناه‌اوس است. بسیاری از مترجمان به علت نداشتن سر و سودای موضوع مورد ترجمه خود و عدم‌آشنایی با مفاهیم اصلی و واژه‌های رایج حرفه، معادل‌های نامناسب را گاه در یک اثر مهم رشته به‌کار می‌برند. اشکالات ناشی از این‌گونه ترجمه‌های غیراصولی^۱ و شتابزده، یکی این است که واژه‌هایی وارد بازار مباحث علمی می‌شود که به‌اندازه مناسب و مفهوم نبوده و در بسیاری موارد باعث گمراهی و سردرگمی خوانندگان و لاقلاً باعث تعدد معادل‌های غیرلازم می‌شود. یکی از مترجمان خوب روان‌شناسی، به‌جای واژه «همبستگی» که سال‌های سال برای واژه لاتین cohesiveness در مبحث «همبستگی گروهی» مصطلح شده بود، از معادل «انسجام» استفاده کرد. است که نشانه نوعی بی‌دقتی و ناآشنایی با اصطلاحات رایج موضوع ترجمه ایشان است. واژه‌ای که به علت کلیدی بودن کتاب ترجمه ایشان، ممکن است رایج شود، رایجی که متأسفانه نوعی پس‌روی به‌طرف واژه‌های ضعیف‌تر خواهد بود.

مثال دیگر واژه «خودافشایی» در برابر واژه لاتین disclosure است. واژه «خودافشایی» دارای بار ارزشی منفی است. «خودافشایی» در فرهنگ ما بدین معناست که مراجع با بیان موارد منفی یا بدگویی درباره خود، خویش‌ن را افشا و رسوا

۱. «ترجمه غیرتخصصی» یعنی ترجمه‌ای که فقط به‌خاطر نفس ترجمه کردن توسط مترجمی صورت می‌گیرد که تخصص و یا سر و سودایی در موضوع مورد ترجمه نداشته و فقط می‌خواهد کتابی ترجمه کرده باشد. دیده می‌شود که گاه با وجود تحصیلات تخصصی باز هم مطالعاتی در مورد پیشینه و آثار و ترجمه‌های قبلی مربوط به موضوع ترجمه خود ندارند و با متون و معادل‌های پیشین ناآشنا هستند.

کند. این واژه، نشانه بیگانگی مترجم با فرهنگ و ارزش‌های درمانگری است. زیرا یکی از اصول برای قرار گرفتن در جایگاه درمانگری، «خنثی بودن» و مبرا بودن از نگاه و اسناد ارزشی به گفتار، کردار و افکار مراجع است. برای واژه لاتین disclosure معادل «بی‌پرده‌گویی» و «ازدل‌گویی»، این نقص را ندارد و با ارزش‌های درمانگری هماهنگ است. یک نمونه دیگر واژه consultation به معنی «مشورت‌گری» است که گرچه خود «مشورت‌گری» یک مبحث جامع علمی است و دروس و کتاب‌های عدیده خود را دارد، اما در ایران، به علت نداشتن یک معادل درست فارسی^۱، دهه‌ها بلا تکلیف و ناشناخته مانده است. حتی درسی که درباره این مبحث مهم در دروس برنامه رشته مشاوره آوردیم، به همین علت هرگز به درستی تدریس نشد.

مثال دیگری از معادل‌های نادرست، اصطلاح «درمانجو» برای واژه انگلیسی client به معنی «مراجع» است که توسط زنده یاد دکتر ولی‌الله اخوت در مورد «درمان مراجع - محوری» (client-centered therapy) کارل راجرز به کار رفته است، در صورتی که واژه «درمانجو» هیچ ربطی با مفهوم مورد نظر راجرز نداشته و ندارد. وقتی یک روان‌شناس بالینی سابقه شدید آسیب‌شناسی و «بیمار دیدن» مراجعان پیدا می‌کند، قادر نیست که واژه «مراجع» (client) را «عاری از بار آسیب» ببیند، لذا معادل «درمانجو» را برای آن بدان می‌کند که در واقع ناشی از سوگیری آسیب - محورانه خود مترجم و انحراف از ارزش و نگرش نویسنده اصلی متن و باعث گمراهی خوانندگان است.

دوم این که نتیجه به‌کارگیری این گونه واژه‌ها، متنی می‌شود که درک آن برای خواننده دشوار است، زیرا نگاه عاری از آسیب نویسنده اصلی متن با نگاه آسیب - محورانه مترجم هم‌کاسه نمی‌شود. لذا چندین بار مطالعه هم به خواننده برای درک مطلب افاقه نمی‌کند، طوری که گاه خواننده را خسته و حتی عصبانی می‌کند و اگر در ردای یک دانشجو مجبور به خواندن آن نباشد، مطالعه را رها می‌کند و کتاب تبدیل به دکور قفسه کتاب یا کتابخانه می‌شود.

۱. واژه consultation در فارسی بیشتر با معادل‌های مشاوره، رایزنی و مشورت ترجمه می‌شود و کم‌وبیش معادل «مشاوره» محسوب می‌شود. در حالی که هیچ کدام از واژه‌های مذکور معادل درستی برای آن نیست.

سوم و مهم‌تر از همه این که وقتی هر مترجمی واژه‌های خاص خود را به کار می‌برد، در کل آثار یک رشته تخصصی، معادل‌های متعدد برای یک واژه لاتین، باعث سردرگمی خوانندگان و دشواری انتقال مفاهیم علمی به کاربران آن می‌شود. به همین خاطر دقت در معانی دقیق و علمی واژه‌ها و انتخاب معادل‌های مناسب و یکسان‌سازی آن‌ها واجد اهمیت خاصی است. برای مثال، اخیراً عده‌ای برای واژه cohabitation که «هم‌خانگی» ترجمه می‌شد، معادل «هم‌باشی» را به کار گرفته‌اند که معادل مناسبی نیست. زیرا اگر به گستره واژه‌ها نظر کنیم، در می‌یابیم که برای معادل‌سازی باید به تقابل واژه‌های مشابه هم نظر داشت. توجه کنید به واژه‌های coexistence و symbiosis که اولی در گذشته «همزیستی» ترجمه می‌شد، و حال بند به آن بگوییم «هم‌باشی»، چون برای آن معادل دقیق‌تری است، و از معادل «همزیستی» برای واژه symbiosis استفاده کنیم که دقیق‌ترین معنا برای آن است.

وقتی بدون اشراف به گستره واژه‌ها و مفاهیم، دست به واژه‌سازی می‌زنیم، مشکلاتی به بار می‌آید که گاه برای تسهیل آن‌ها باید راهی بس طولانی و دشوار طی شود. معادل‌های «مستقیم» برای واژه لاتین directive و «غیرمستقیم» برای واژه لاتین nondirective که توسط مرحوم دکتر بدیع‌الزمان بیدل به کار رفت، از این نوع است. این دو واژه هر کدام مربوط به نحله‌های مشاوره‌ای/درمانی خاص خویش است و هر کدام داستان و سرگذشت علمی و رویکردهای ویژه خود را دارد. دو شیوه متمایز در تاریخ درمان، یکی رویکردهای دستورالعملی (directive) و دیگری رویکردهای غیردستورالعملی (nondirective) است. نماینده برجسته رویکرد دستورالعملی ادموند جی. ویلیامسون^۱ واضع اولین نظریه مشاوره تحت عنوان «ویژگی - عامل»^۲ است. نظریه‌ای که سمبل یک نظریه مشاور - محورانه است. تأکید نظریه «ویژگی - عامل» بر مراجع عاری از آسیب^۳ است که مشکلات معمول

1. Edmund G. Williamson

2. Trait and Factor

3. Non-pathological clients

و طبیعی رشد خود را در زندگی تجربه می‌کند. اوایل دهه ۱۹۵۰ و در اوج موفقیت این نظریه، رویکرد مراجع - محوری راجرز ظهور کرد. رویکردی که نظریه «ویژگی - عامل» را به چالش کشید و تأکید داشت که محور کار مشاوره باید بر «مراجع» و نه بر «مشاور» باشد. از دیگر نظریه‌های دستورالعملی امروز می‌توان از نظریه الیس و نظریه‌های استراتژیک در خانواده درمانی نام برد.

در این کتاب سعی شده اصطلاحات پیچیده و واژگان تخصصی مشاوره و درمان خصوصاً واژگان درمان‌های سیستمی خانواده و ازدواج، و همچنین «گروه درمانی» به ساده‌ترین زبان برای اهل فن، از دانشجویان مبتدی تا استادان ارجمند تعریف و توضیح داده شود. البته در کل، برای تمام واژگان، معادل فارسی آورده شده است. اما برای واژگان مهم و کلیدی توصیف مناسبی هم آورده شده تا آن واژه‌ها به‌طور شایسته‌تری شناخته شوند.

این واژه‌نامه بر خلاف غالب فرهنگ‌هایی است که از ترجمه یک فرهنگ دیگر پدید می‌آید. انگیزه تألیف و سبب آن این نبود که یک واژه‌نامه تهیه شود. انگیزه اصلی عشق و علاقه بود. نگارنده سال‌ها با این واژه‌ها زندگی کرده و با آن‌ها درگیری ذهنی داشته است. لذا در توصیف آن، نه فقط معنا که سیلان زندگی جاری است. معانی برخی از واژه‌ها و اصطلاحات طی سال‌ها با تغییر مفاهیم واژه یا تغییر استنباط‌ها، مرتباً حک و اصلاح شده است. واژه‌ای اولیه طی سال‌ها تدریس و تألیف و ترجمه در متن و واژه‌نامه کتاب‌ها، مقالات چاپ شده و چاپ‌نشده مؤلف آورده شده بود. در فرایند بیش از چهل و پنج سال کار با متون و مفاهیم تخصصی رشته‌های مشاوره و روان‌درمانی، همواره با مشکل «مفهوم نبودن»، یکدست نبودن و بعضاً صحیح نبودن واژه‌های تخصصی مواجه بودم. علاوه بر این، در برخی از زمینه‌ها مانند «مشاوره و درمان خانواده و ازدواج»، «مشاوره گروهی» و همین‌طور هم «نظریه سیستم‌ها»، «درمان‌های سیستمی»، «سیرنیتیک»، «هیپنوتیسم»، «پست‌مدرنیسم» و نظایر آن هم کاری به‌جز فرهنگ توصیفی همکار فرزانه دکتر مصطفی تبریزی صورت نگرفته است. لذا این

واژه‌نامه را می‌توان مانند یک دایره‌المعارف نیز مطالعه کرد. مطالعه توضیحات هر واژه، اطلاعات مفیدی به خواننده می‌دهد. کاری که نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه بسیار شیرین و آموزنده است، و مفاهیم و نکات بسیار مهم و ژرفی را برای خواننده مفهوم‌سازی می‌کند. مثلاً با خواندن توصیف واژه‌های مربوط به هیپنوتیسم مانند، خلسه، خلسه خفیف، خلسه عمیق، القاء، تلقین، ذهن ناخودآگاه، و نظایر آن اطلاعات نسبتاً خوبی در مورد هیپنوتیسم نصیب خواننده می‌شود.

بر خلاف شیوه مرسوم در متون ترجمه‌شده که معادل‌ها در پاورقی آورده می‌شود، در این واژه‌نامه معادل انگلیسی سایر واژه‌های کلیدی در بطن توضیحات مربوط به هر واژه تعمداً آورده شده است. زیرا فرض بر این است که اولاً برای اهل فن، در حیطه مورد بحث این واژه‌نامه، از آشنایی و یادگیری معادل‌های انگلیسی گریزی نیست. غیر اهل این فن، می‌توانند معادل‌های لاتین را نادیده بگیرند. در ثانی، با آوردن معادل‌های لاتین در متن توضیح هر واژه، نظر بر این بوده که راه برای خوانندگان واژه‌نامه نزدیک شود و آن‌ها مجبور نباشند که برای یافتن معادل سایر واژه‌های مربوطه به سایر قسمت‌های واژه‌نامه مراجعه کنند.

پاره‌ای از واژه‌ها ممکن است به نظر برسد که خارج از حیطه روان‌شناسی و مشاوره است. اما باید به این واقعیت توجه داشت که نه تنها «دارو درمانی» برای اختلالات روانی و رفتاری زیر سؤال است، بلکه دیدگاه‌های فرد - محورانه کلاسیک روان‌شناسی هم که بر تشخیص‌های فردی و «بررسی اختلال» به مراجعان تأکید دارند، مورد چالش شدید هستند. واژگان این مجموعه گرایش به مفاهیم سیستمی و برون‌روانی دارد. به همین خاطر برخی از واژه‌ها ممکن است برای تحصیل‌کردگان مکاتب کلاسیک روان‌شناسی کمتر مانوس باشد.

و اما با وجود سال‌ها تلاش پراکنده برای به‌وجود آمدن این اثر، ظاهراً مجالی دست نمی‌داد که واژه‌ها را جمع‌آوری و منتشر کنم. اما تشویق‌های مجدانه و پی‌گیر همکار خوب و پرتلاشم خانم شهره فلاحتی مدیر باکفایت «مرکز مشاوره راه نو» و همکاری ایشان برای گردآوری و تایپ واژه‌ها، خصوصاً در مراحل اولیه،

راه را برای تحقق انتشار این اثر هموار کرد. لذا در اینجا بر خود فرض می‌دانم و حق است که از ایشان به خاطر این خدمت بالارزش به‌طور ویژه تشکر کنم.

و بالاخره و از همه مهم‌تر این که این اثر بدون همکاری موسسهٔ وزین انتشارات رشد و همکاران جدی و سخت‌کوش آن هرگز به این شکل صورت نشر پیدا نمی‌کرد. حمایت‌های جدی و بی‌دریغ عزیز فرزانه آقای مختار صحرایی با تشکر قابل جبران نیست. من صمیمانه قدردان محبت و همراهی ایشان هستم. زحمات راوان و دلسوزانهٔ سرکار خانم صبورا شمسایی که این اثر را به این زیبایی برای طبع آماده کرده اند، مورد سپاس همیشگی من است. در خاتمه از اساتید بزرگوار و مترجمان دقیق خواهش می‌کنم که اولاً نظرات اصلاحی و ارشادی خود را برای ویرایش بعدی این اثر مرحمت بفرمایید و در ثانی نقص‌ها و نارسایی کار را با بزرگواری بر من ببانند.

باقر ثنائی

استاد مشاوره و روان‌درمانی خانواده و ازدواج

دانشگاه خوارزمی و دانشگاه آزاد کرج،

عضو شورای مرکزی «آزمون نظام روان‌شناسی و مشاوره»

بنیان‌گذار مشاوره خانواده و ازدواج در ایران

دارای بُرد و پروانه تخصصی مشاوره آمریکا و کانادا

دارای بُرد و پروانه تخصصی روان‌درمانی کانادا

عضو مؤسس و دو دوره ریاست «انجمن مشاوره ایران»

اسفند ۳۹۵